

متن پرسش

با سلام و ارادت حضور استاد عزیز: با توجه به عرایض حضرت عالی در خصوص اشارت سوره مبارکه شمس موارد زیر به ذهن اینجانب رسید. در صورتی که اعلام نظر بنمایید موجب خرسندی ما خواهد بود. از زمانی که برای خواندن مطلب می‌گذارید متشکرم. ۱. اشاره به خورشید و ماه سپس اشاره به شب و روز (که روز زمین است) ۲. اشاره به آسمان (و سازنده آن) سپس اشاره به خود زمین و سازنده آن ۳. اشاره به نفس و سازنده آن سپس؟ به نظر حقیر در سیاق آیات سعی بر این هست که اول ذهن انسان را به مراتب بالای عالم ببرد شاید می‌خواهد انسانی به بزرگی بالاتر از آسمانها را در وجود ما تجلی کند (شاید هم خود پیامبر از این پله ها بالا رفته) چرا که بعد از جهش از ماه و خورشید به آسمان جهش بعدی از آسمان به نفس می باشد شاید قسم بعد از آسمان به زمین هم نکته ای داشته باشد مثلا بزرگی زمین از بزرگی آسمان کمتر نیست (به جهت اولویت در ترتیب اشاره) و شاید هم بخواهد انسان زمینی را در حضوری عرشی بدهد. نکته ی دیگر اینکه شاید یک نفس واحد مد نظر باشد که دارای آن عظمت هست (نفس واحد هم در تفسیر المیزان اشاره شده) در اینصورت اگر نفس به عنوان یک کل (مثل آسمان که به عنوان یک کل اشاره شد بعد به زمین اشاره شد که جزئی از این کل هست) مطرح شده باشد اشاره به یک جزء که تک تک انسانها باشد مستتر می‌باشد تا آنجا که اشاره می‌کند «قد افلح من زکها و...» (شاید این من همون جزء باشد) نهایتا شاید خود پیامبر از طریق ماه و خورشید و آسمان به عالم بالاتری دستیافته که سعی دارد ما را به آن عالم بکشاند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده وسعت آیات بخصوص آیاتی که جنبه اشاراتی آن بر جنبه عباراتی و مفهومی آن غلبه دارد، آری! بنایش آن می‌باشد تا ما را با جهانی روبه‌رو کند که برای رسول الله «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» گشوده شده است و حضرت مأمورند به نور وحی الهی بدان جهان از طریق آن آیات، اشاره نمایند تا انسان را هرچه بیشتر به خود آورند. از آن جهت آنچه می‌فرمایید نظر به همان جهان گشوده محمدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» دارد، جهانی که انسان را به خود می‌آورد و در این رابطه در یادداشت‌هایی تحت عنوان «تقابل فجور و تقوا» نکاتی عرض شد که ذیلاً خدمتتان ارسال می‌گردد. موفق باشید

۱. در تقابل فجور و تقوا است که ذات انسان کامل می‌شود، به همان معنای: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا».

۲. با توجه به این‌که فرمود: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»، ماه رجب شرایط تحقق همین تقواست با رعایت مستحبات مطرح‌شده در این ماه و ادعیه و روزه داری. و از این جهت اهل سلوک سعی در حفظ ماه مبارک رجب دارند. زیرا هرچه بیشتر به وجود گسترده و گشوده خود که با تقوا درک می‌شود، نزدیک می‌شوند.

۳. در ماه مبارک رجب شرایط، شرایط غلبه تقوا بر توهم و گمان‌های سرگردان است تا انسان بیش از پیش به حقیقت بنیادین خود که همان «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» است نزدیک شود.

۴. فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا»، زیرا انسان با شناخت بنیادین‌ترین بنیاد خود می‌داند چه چیز او را به خودش نزدیک می‌کند تا در انس با خدا قرار گیرد. «رَزَّاهَا» یعنی آزادکردن جان از امور دست و پا گیر، مانند تشنه‌ای که در بیابانی بیکرانه از گنجی که پیدا کرده است پر از طلا و جواهرات، خود را آزاد می‌کند.

۵. فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا»، این همان تذکر به تعالی ملی یک ملت بزرگ و قدسی است تا از ارزش‌های الهی و انسانی بتواند دفاع کند، وگرنه: «وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (۱۰) گرفتار فضای رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال می‌شود. و این همان همسوسدن با جریان‌های مقابل جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی که حاج قاسم شهید و بصیر ما آن را «حرم» می‌داند.

۶- آیات «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا» (۷) «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (۸) توان آدم‌سازی دارد. در حالی‌که در فرهنگ غربی، نهایتاً ما به دانش فیزیک و شیمی و تکنولوژی می‌رسیم که برای معنابخشیدن به بشریت کافی نیست و نارضایتی انسان جدید را برطرف نمی‌کند و انسان را در عین دانا بودن به علوم تجربی، بدون درک حقیقت انسان، انسان را همچنان عوام نگه می‌دارد.

۷- آیات فوق موجب می‌شود که حتی بتوانیم خودمان را نیز نقد کنیم و به گفته مقام معظم رهبر انقلاب توجه به لسان قوم در فعالیت‌های فرهنگی- تبلیغاتی از جمله اقتضات فعالیت‌های فرهنگی است: زبان ارتباط گرفتن با یک جوان و نوجوان با زبان حرف زدن با یک غافل جاهل یا معاند فرق می‌کند همچنان‌که باید زبان و لسان صحبت و تبلیغ در کشورهای دیگر با کار فرهنگی-تبلیغی در داخل از جمله در مجموعه‌های انقلابی تفاوت داشته باشد.

۸- در جنگ شناختی انسان که غرب پیش آورده است، انسان از ابعاد متعالی و بنیادین خود غافل می‌شود. باید با نظر به این آیات از خود پرسید آیا اولاً: خود را حقیقتاً می‌شناسیم؟ ثانیاً: آیا مسیر انسان‌هایی که غافل از خود شده‌اند را می‌دانید؟

۹- خداوند در این سوره پس از اشارات و سوگندهایی که مطرح فرمود، خود ما را در نزد خودمان به میان آورد تا در نزد خود حقیقت را احساس کنیم و ادامه دهیم.

۱۰. آیا احترام به خود، همان نیست که خود را تا بنیادین‌ترین نحوه حضور که آیه شماره ۸ این سوره به میان آورد، پیدا کنیم؟ که در بنیاد خود چه حضوری از خود احساس می‌کنیم؟ آیا آن حضور، همانی نیست که خداوند در مورد ما می‌فرماید: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» آری! در بنیاد و نفس انسان، فجور و تقوایش را به او الهام کرد تا خودش در درون خود عامل سقوط و صعود خود را احساس کند.

۱۱. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ.» (۱۰۵ مائده) هان ای اهل ایمان، متوجه و مواظب نفس و جان خود باشید، در آن صورت چنانچه کسی گمراه شود، شما را هراسی نیست آن‌گاه که از طریق درک حقیقت خود هدایت شده باشید.

و یا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «عَجِبْتُ لِمَنْ يُنْشِدُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا»، در تعجبم از آن‌که کسی به دنبال آنچه گم کرده است می‌گردد، در حالی‌که خود را گم کرده و به دنبال خود نمی‌گردد.

۱۲. به گفته جناب مولوی:

در تو نمرودی است آتش در مرو رفت خواهی اول ابراهیم شو

=====

ره آسمان درون است، پیر عشق را بجنبان پیر عشق چون قوی شد، غم نردبان نماند

تو مبین جهان ز بیرون که جهان درون دیده‌ست چو دو دیده را ببستی ز جهان جهان نماند

.....

خویشتن نشناخت مسکین آدمی از فزونی آمد و شد در کمی

خویشتن را آدمی ارزان فروخت بود اطلس، خویش بر دلقی بدوخت

داند او خاصیت هر جوهری در بیان جوهر خود، چون خری

قیمت هر کاله دانی که چیست قیمت خود را ندانی احمقی است